

## مقدار معتبر در شیردهی برای نشر حرمت

بحث در بررسی اطلاقات رضاع بود. ما در تبیین مفاد آیه شریفه «وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ» گفتیم هیچ گاه شخص با شیر دادن مادر کسی نمی‌شود و مادر حقیقت در مادر نسبی است و کسی که فرد را زاییده است و آنچه مصحح استعمال این کلمه در مورد کسی است که شیر داده است این است که زن شیرده به مقدار معتناهی که مقتضای وظیفه مادری در شیردهی است شیر بدهد. پس مفاد این کلمه این نیست که هر زنی که شیر داده است مادر است بلکه مفادش این است که کسی که وظیفه شیردهی را انجام داده باشد مادر است و ازدواج با او حرام است. پس آیه شریفه اطلاقی ندارد که اثبات کند به صرف تحقق مسمای رضاع عنوان مادر رضاعی محقق می‌شود. در آیه شریفه رضاع موضوع حرمت ازدواج قرار نگرفته است بلکه مادر رضاعی موضوع است.

به این مناسبت ما به روایات مقدار معتبر شیردهی در نشر حرمت اشاره کردیم و اگر چه موضوع بحث ما الان این نیست اما به جمع بین این روایات خواهیم پرداخت.

در این موضوع هشت طایفه روایت وجود دارد که یک طایفه از آنها تقریباً با کتاب تطابق دارد و چیزی زائد بر مفاد کتاب نیست. این طایفه روایاتی هستند که مفاد آنها حصر نشر حرمت فقط با یک سال شیردهی است مثل:

الْعَلَاءُ بْنُ رَزِينٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّضَاعِ فَقَالَ لَا يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ إِلَّا مَا ارْتَضَعَ مِنْ ثَدْيٍ وَاحِدٍ سَنَةً. (تهذیب الاحکام، جلد ۷، صفحه ۳۱۸)

یا دو سال شیردهی است مثل:

الْحَسَنُ بْنُ سَمَاعَةَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ حُدَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ عَبْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّضَاعِ فَقَالَ لَا يَحْرُمُ الرَّضَاعُ إِلَّا مَا ارْتَضَعَ مِنْ ثَدْيٍ وَاحِدٍ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ. (تهذیب الاحکام، جلد ۷، صفحه ۳۱۷)

رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ زُرَّارَةَ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ لَا يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ إِلَّا مَا كَانَ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ (من لايحضره الفقيه، جلد ۳، صفحه ۴۷۷)

یا دوام شیردهی است مثل:

عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ حَرِيْزِ بْنِ الْفَضْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا يُحْرَمُ مِنَ الرَّضَاعِ إِلَّا مَا كَانَ مَجْبُورًا قَالَ قُلْتُ وَ مَا الْمَجْبُورُ قَالَ أُمُّ مَرْبِيَّةٍ أَوْ أُمُّ نُرَيْبٍ أَوْ ظَنُرٌ تُسْتَأْجَرُ أَوْ خَادِمٌ تُشْتَرَى أَوْ مَا كَانَ مِثْلَ ذَلِكَ مَوْقُوفًا عَلَيْهِ. (تهذيب الاحكام، جلد ۷، صفحه ۳۲۴)

عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ إِنْ بَعْضَ مَوَالِيكَ تَزَوَّجَ إِلَى قَوْمٍ فَزَعَمَ النِّسَاءُ أَنَّ بَيْنَهُمَا رَضَاعًا قَالَ أَمَّا الرَّضْعَةُ وَ الرَّضْعَتَانِ وَ الثَّلَاثُ فَلَيْسَ بِبَيْئَةٍ إِلَّا أَنْ تَكُونَ ظَنْرًا مُسْتَأْجَرَةً مُقِيمَةً عَلَيْهِ. (تهذيب الاحكام، جلد ۷، صفحه ۳۲۴)

و بعيد نیست مرسله صدوق در نشر حرمت با پانزده شبانه روز شیردهی در همین طایفه قرار گیرد.

«و روي أنه لا يحرم من الرضاع إلا رضاع خمسة عشر يوما و لياليهنّ ليس بينهن رضاع» (المقنع، صفحه ۳۳۰)

و یک روایت هم به نظر ما مجمل است و علت آن این است که ظاهرا راوی بین روایات مختلف جمع کرده است چون بین اینکه کار شخص شیردادن باشد و بین اینکه ده بار شیر بدهد جمع کرده است در حالی که عرفا بین این دو تعبیر جمع ممکن نیست. یعنی اگر ده مرتبه شیر دادن کافی است مهم نیست شخص مجبور یا خادم یا دایه باشد و اگر این عناوین مهم است که این عناوین حتما با ده مرتبه محقق نمی‌شوند. راوی در حقیقت خواسته است بین روایات مختلفی که ائمه علیهم السلام فرموده بودند جمع کند.

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حَرِيْزِ بْنِ الْفَضْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: لَا يُحْرَمُ مِنَ الرَّضَاعِ إِلَّا الْمَجْبُورَةُ أَوْ خَادِمٌ أَوْ ظَنْرٌ قَدْ رَضَعَ عَشْرَ رَضَعَاتٍ يَزْوَى الصَّبِيَّ وَ يَنَامُ. (تهذيب الاحكام، جلد ۷، صفحه ۳۱۵)

نتیجه اینکه این روایت از نظر ما ارزش روایی ندارد.

طایفه دوم روایاتی هستند که مفاد آنها این است که مقداری شیردهی که موجب رویدن گوشت و محکم شدن استخوان باشد موجب نشر حرمت است و می‌توان گفت شکی نیست که این معیار هم موجب نشر حرمت می‌شود حتی اگر موجب صدق عنوان مذکور در قرآن (مادر رضاعی) نباشد. و قبلا هم گفتیم معیار انبات عرفی است نه نظر دقیق عقلی و لذا باید طوری باشد که عرف بگوید شیر خوردن روی او تاثیر گذاشته است.

این طایفه نه معارض دارند و نه با روایات دیگر منافات دارند و البته مفاد برخی از آنها حصر است و مفاد برخی از آنها صرف اثبات نشر حرمت با این مقدار است.

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ لَا يُحْرَمُ مِنَ الرَّضَاعِ إِلَّا مَا أَنْبَتِ اللَّحْمَ وَ شَدَّ الْعَظْمَ. (الكافي، جلد ۵، صفحه ۴۳۸)

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا يُحْرَمُ مِنَ الرَّضَاعِ إِلَّا مَا أَنْبَتِ اللَّحْمَ وَ الدَّمَّ. (الكافي، جلد ۵، صفحه ۴۳۸)

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ زِيَادِ الْقُنْدِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ يُحْرَمُ مِنَ الرَّضَاعِ الرَّضْعَةُ وَالرَّضْعَتَانِ وَالثَّلَاثَةُ فَقَالَ لَا إِلَّا مَا اشْتَدَّ عَلَيْهِ الْعَظْمُ وَنَبَتَ اللَّحْمُ. (الكافي، جلد ۵، صفحه ۴۳۸)

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا يُحْرَمُ مِنَ الرَّضَاعِ إِلَّا مَا شَدَّ الْعَظْمُ وَانْبَتَ اللَّحْمُ وَ أَمَّا الرَّضْعَةُ وَالرَّضْعَتَانِ وَالثَّلَاثُ حَتَّى يَبْلُغَ عَشْرًا إِذَا كُنَّ مُتَفَرِّقَاتٍ فَلَا بَأْسَ. (الكافي، جلد ۵، صفحه ۴۳۸)

مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادِ الْعَبْدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا يُحْرَمُ الرَّضَاعُ إِلَّا مَا شَدَّ الْعَظْمُ وَانْبَتَ اللَّحْمُ فَأَمَّا الرَّضْعَةُ وَالثَّنَتَانِ وَالثَّلَاثُ حَتَّى يَبْلُغَ الْعَشْرَ إِذَا كُنَّ مُتَفَرِّقَاتٍ فَلَا بَأْسَ. (تهذيب الاحكام، جلد ۷، صفحه ۳۱۴)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّضَاعِ مَا أَدْنَى مَا يُحْرَمُ مِنْهُ قَالَ مَا انْبَتَ اللَّحْمُ أَوِ الدَّمُ ثُمَّ قَالَ تَرَى وَاحِدَةً تُنْبِتُهُ فَقُلْتُ أَسْأَلُكَ أَصْلَحَكَ اللَّهُ [اثنان] قَالَ لَا فَلَمْ أَرْزُلْ أَعُدُّ عَلَيْهِ حَتَّى بَلَغَتْ عَشْرَ رَضَعَاتٍ. (الكافي، جلد ۵، صفحه ۴۳۸)

عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الرَّضَاعِ أَدْنَى مَا يُحْرَمُ مِنْهُ قَالَ مَا انْبَتَ اللَّحْمُ وَالدَّمُ ثُمَّ قَالَ تَرَى وَاحِدَةً تُنْبِتُهُ فَقُلْتُ أَسْأَلُكَ أَصْلَحَكَ اللَّهُ اثنان فقال لا و لم أرزل أعدُّ عليه حتى بلغ عشر رضعات. (الكافي، جلد ۵، صفحه ۴۳۸)

الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَائِبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ مَا يُحْرَمُ مِنَ الرَّضَاعِ قَالَ مَا انْبَتَ اللَّحْمُ وَ شَدَّ الْعَظْمُ قُلْتُ فَيُحْرَمُ عَشْرُ رَضَعَاتٍ قَالَ لَا لِأَنَّهَا لَا تُنْبِتُ اللَّحْمَ وَ لَا تَشَدُّ الْعَظْمَ عَشْرَ رَضَعَاتٍ. (تهذيب الاحكام، جلد ۷، صفحه ۳۱۳)

صاحب وسائل این روایات را در دو باب مطرح کرده است که عنوان یکی از آنها این است «بَابُ ثُبُوتِ التَّحْرِيمِ فِي الرَّضَاعِ بِرَضَاعِ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ وَ بِخَمْسِ عَشْرَةَ رَضْعَةً مُتَوَالِيَاتٍ بِشُرُوطِهَا لَا بِمَا نَقَصَ عَنْ ذَلِكَ» و عنوان دیگری این است «بَابُ أَنَّهُ لَا يَنْشُرُ الْحُرْمَةَ مِنَ الرَّضَاعِ إِلَّا مَا انْبَتَ اللَّحْمُ وَ شَدَّ الْعَظْمُ» ممکن است بدوا به نظر برسد بین این دو عنوان تهافت است مگر اینکه عنوان باب سوم که لزوم رویدن گوشت و محکم شدن استخوان باشد مقید عنوان باب دوم باشد و به نظر ما هم این بعید نیست یعنی آنچه ملاک است رویدن گوشت و محکم شدن استخوان است و پانزده مرتبه و ... موجب نشر حرمت نمی شود مگر اینکه موجب رویدن گوشت و محکم شدن استخوان باشد که در برخی موارد بعید نیست و همان طور که خواهد آمد هیچ روایتی وجود ندارد که منطوق آن این باشد که با پانزده مرتبه نشر حرمت می شود بلکه این معنا را خواسته اند از مفهوم استفاده کنند که این مفهوم اطلاق دارد و با روایات دال بر اشتراط رویدن گوشت و محکم شدن استخوان تقیید می شود.

طایفه سوم:

مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّابِطِيِّ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ زِيَادِ بْنِ سُوْقَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ هَلْ لِلرَّضَاعِ حَدٌّ يُؤْخَذُ بِهِ فَقَالَ لَا يُحَرِّمُ الرَّضَاعُ أَقَلَّ مِنْ رَضَاعِ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ أَوْ خَمْسَ عَشْرَةَ رَضَعَاتٍ مُتَوَالِيَاتٍ مِنْ امْرَأَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ لَبَنِ فَحَلٍ وَاحِدٍ لَمْ يَفْصِلْ بَيْنَهَا رَضَعَةٌ امْرَأَةٍ غَيْرِهَا وَ لَوْ أَنَّ امْرَأَةً أَرْضَعَتْ غُلَامًا أَوْ جَارِيَةً عَشْرَ رَضَعَاتٍ مِنْ لَبَنِ فَحَلٍ وَاحِدٍ وَ أَرْضَعَتْهَا امْرَأَةٌ أُخْرَى مِنْ لَبَنِ فَحَلٍ آخَرَ عَشْرَ رَضَعَاتٍ لَمْ يُحَرِّمْ نِكَاحَهُمَا. (تهذيب الاحكام، جلد ۷، صفحه ۳۱۵)

آنچه در این روایت آمده است این است که کمتر از پانزده مرتبه یا یک شبانه روز شیر دادن موجب نشر حرمت نمی‌شود اما اینکه پانزده مرتبه یا یک شبانه روز موجب نشر حرمت باشد از مفهوم استفاده می‌شود که بر فرض روایت چنین مفهومی داشته باشد اطلاق دارد و باید مقید شود.

مفاد این روایات این است که با کمتر از این تعداد یا با ده مرتبه شیر دادن نشر حرمت نمی‌شود اما اینکه با پانزده مرتبه هم نشر حرمت می‌شود حتی اگر موجب رویدن گوشت و محکم شدن استخوان نباشد از این روایات استفاده نمی‌شود و به نظر این روایات بر این مطلب به وضوح دلالت می‌کنند که امام علیه السلام در مقام جواب ندادن و فرار کردن از جواب است که آن هم ناشی از جو تقيه از اهل سنت است.

و حتی اگر از این هم چشم پوشی کنیم و ظهور این روایات در نشر حرمت با پانزده مرتبه شیر دادن را بپذیریم نسبت بین روایات دال بر حصر ملاک محرمیت در رویدن گوشت و محکم شدن استخوان و روایات دال بر نشر حرمت با پانزده مرتبه شیر دادن عموم و خصوص من وجه است و مقتضای قاعده این است که در ماده اجتماع (پانزده مرتبه شیر دادن بدون رویدن گوشت و محکم شدن استخوان) که یک دسته می‌گویند موجب نشر حرمت نیست و یک دسته می‌گویند موجب نشر حرمت است تساقط کنند و فرضی که پانزده مرتبه شیر دادن باشد و رویدن گوشت و محکم شدن استخوان هم باشد تعارضی نیست و موجب نشر حرمت است و فرضی که رویدن گوشت و محکم شدن استخوان باشد اما پانزده مرتبه متوالی نباشد هم معارضی ندارد.

روایت دیگر مرسله صدوق است که مشخص است صدوق در متن آن تغییر داده است:

و لا يحرم من الرضاع إلا ما أنبت اللحم و شدَّ العظم و سئل أبو جعفر عليه السلام هل لذلك حد؟ فقال: لا يحرم من الرضاع إلا رضاع يوم و ليلة أو (خمس عشرة) رضعة متواليات لا يفصل بينهما (المقنع، صفحه ۳۳۰)

ظاهراً این همان روایت زیاد بن سوقة است و فهم صدوق از «لَا يُحَرِّمُ الرَّضَاعُ أَقَلَّ مِنْ رَضَاعِ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ أَوْ خَمْسَ عَشْرَةَ رَضَعَاتٍ مُتَوَالِيَاتٍ» این بوده است که پانزده مرتبه یا یک شبانه روز شیر خوردن موجب نشر حرمت می‌شود و لذا روایت را این طور نقل به معنا کرده است.

طایفه چهارم روایاتی هستند که صریحاً ذکر می‌کنند که پانزده مرتبه شیر دادن کافی نیست:

عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ عُمَرَ بْنِ  
يَزِيدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ حَمْسَ عَشْرَةَ رَضْعَةً لَا تُحَرِّمُ. (تهذيب الاحكام، جلد ۷، صفحه ۳۱۴)

طایفه پنجم روایاتی است که به صراحت دلالت می کنند که ده مرتبه شیر دادن موجب نشر حرمت نیست.  
مثل:

الْحَسَنُ بْنُ مَخْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَّابٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ مَا يُحَرِّمُ مِنَ الرَّضَاعِ قَالَ مَا أَنْبَتَ اللَّحْمَ  
وَ شَدَّ الْعَظْمَ قُلْتُ فَيُحَرِّمُ عَشْرَ رَضَعَاتٍ قَالَ لَا لِأَنَّهَا لَا تُنْبِتُ اللَّحْمَ وَ لَا تَشُدُّ الْعَظْمَ عَشْرَ رَضَعَاتٍ. (تهذيب  
الاحكام، جلد ۷، صفحه ۳۱۳)

عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ  
ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ عَشْرَ رَضَعَاتٍ لَا يُحَرِّمُنَّ شَيْئًا. (تهذيب الاحكام، جلد ۷، صفحه ۳۱۳)

عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَخَوَيْهِ عَنْ أَبِيهِمْ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ عَشْرَ  
رَضَعَاتٍ لَا تُحَرِّمُ. (تهذيب الاحكام، جلد ۷، صفحه ۳۱۳)

طایفه ششم روایاتی هستند که ادعا شده است به مفهوم بر نشر حرمت با ده مرتبه شیر دادن دلالت دارند  
مثل:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا يُحَرِّمُ مِنَ الرَّضَاعِ إِلَّا  
مَا شَدَّ الْعَظْمَ وَ أَنْبَتَ اللَّحْمَ وَ أَمَّا الرَّضْعَةُ وَ الرَّضْعَتَانِ وَ الثَّلَاثُ حَتَّى يَبْلُغَ عَشْرًا إِذَا كُنَّ مُتَّفِرِّقَاتٍ فَلَا بَأْسَ.  
(الكافي، جلد ۵، صفحه ۴۳۸)

مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادِ الْعَبْدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا يُحَرِّمُ  
الرَّضَاعُ إِلَّا مَا شَدَّ الْعَظْمَ وَ أَنْبَتَ اللَّحْمَ فَأَمَّا الرَّضْعَةُ وَ الثُّنْتَانِ وَ الثَّلَاثُ حَتَّى بَلَغَ الْعَشْرَ إِذَا كُنَّ مُتَّفِرِّقَاتٍ فَلَا  
بَأْسَ. (تهذيب الاحكام، جلد ۷، صفحه ۳۱۴)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ  
زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّضَاعِ مَا أَدْنَى مَا يُحَرِّمُ مِنْهُ قَالَ مَا أَنْبَتَ اللَّحْمَ أَوْ الدَّمَ ثُمَّ قَالَ تَرَى  
وَاحِدَةً تُنْبِتُهُ فَقُلْتُ أَسْأَلُكَ أَصْلَحَكَ اللَّهُ [اِثْنَتَانِ] قَالَ لَا فَلَمْ أَرَلْ أَعُدُّ عَلَيْهِ حَتَّى بَلَغْتُ عَشْرَ رَضَعَاتٍ (الكافي،  
جلد ۵، صفحه ۴۳۸)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ  
اللَّهِ ع عَنِ الرَّضَاعِ أَدْنَى مَا يُحَرِّمُ مِنْهُ قَالَ مَا أَنْبَتَ اللَّحْمَ وَ الدَّمَ ثُمَّ قَالَ تَرَى وَاحِدَةً تُنْبِتُهُ فَقُلْتُ أَسْأَلُكَ أَصْلَحَكَ  
اللَّهُ اِثْنَتَانِ فَقَالَ لَا وَ لَمْ أَرَلْ أَعُدُّ عَلَيْهِ حَتَّى بَلَغْتُ عَشْرَ رَضَعَاتٍ.

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ  
يَزِيدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع- عَنِ الْغُلَامِ يَرْضَعُ الرَّضْعَةَ وَ الرَّضْعَتَيْنِ فَقَالَ لَا يُحَرِّمُ فَعَدَدْتُ عَلَيْهِ حَتَّى  
أَكْمَلْتُ عَشْرَ رَضَعَاتٍ فَقَالَ إِذَا كَانَتْ مُتَّفِرِّقَةً فَلَا.

در همه این روایات امام علیه السلام از پاسخ دادن صریح خودداری کرده‌اند و صرفاً فرموده‌اند اگر ده بار شیر دادن متفرق باشد موجب نشر حرمت نمی‌شود اما اینکه اگر متوالی باشند موجب نشر حرمت می‌شوند از مفهوم باید استفاده شود که اگر مفهوم آن را هم بپذیریم چون اطلاق دارد مقید می‌شود.

طایفه هفتم روایاتی است که دلالت می‌کنند کم و زیاد شیر دادن موجب نشر حرمت است مثل:

مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّارَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع أَنَّهُ كَتَبَ إِلَيْهِ يَسْأَلُهُ عَنِ الَّذِي يُحَرِّمُ مِنَ الرَّضَاعِ فَكَتَبَ ع قَلِيلُهُ وَكَثِيرُهُ حَرَامٌ. (تهذيب الاحكام، جلد ۷، صفحه ۳۱۶)

مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ أَبِي الْجَوَّازِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ عَمْرٍو بْنِ خَالِدٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ ع أَنَّهُ قَالَ: الرِّضْعَةُ الْوَاحِدَةُ كَالْمِائَةِ رِضْعَةٍ لَا تَحِلُّ لَهُ أَبَدًا. (تهذيب الاحكام، جلد ۷، صفحه ۳۱۷)

این طایفه بالاجماع معرض عنه است.

طایفه هشتم روایاتی است که مفاد آنها این است که شیر کم مثل یک بار و دو بار و ... موجب نشر حرمت نیست که برخی از آنها در روایات سابق بیان شد و برخی دیگر هم مانند:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ إِنِّي تَزَوَّجْتُ امْرَأَةً فَوَجَدْتُ امْرَأَةً قَدْ أَرْضَعْتَنِي وَأَرْضَعْتُ أُخْتَهَا قَالَ فَقَالَ كَمْ قَالَ قُلْتُ شَيْئًا يَسِيرًا قَالَ بَارَكَ اللَّهُ لَكَ. (الكافي، جلد ۵، صفحه ۴۴۴)

مفاد این روایات صرفاً این است که شیر دهی کم موجب نشر حرمت نمی‌شود اما اینکه چه مقدار موجب نشر حرمت است در این روایات چیزی نیامده است.

به نظر ما التزام به کفایت پانزده مرتبه شیر خوردن در نشر حرمت حتی اگر متوالی باشند و چیزی بین آنه خورده نشود اگر موجب رویدن گوشت و محکم شدن استخوان نباشد بسیار مشکل است و مثل ده مرتبه حتماً موجب نشر حرمت نمی‌شود.